

A Comparative Study of the narrations of Last Sasanian Kings in Jiu Tangshu and Xin Tangshu*

Hamidreza Pashazanous¹ 

Abstract

1. Introduction

One of the most detailed narrations about the Sasanians in Chinese texts is the reports of Jiu Tangshu and Xin Tangshu on the Last Sasanian Kings. These reports also include the political characteristics of Sasanian Iran, the developments of the turbulent years after Khosrow II (528-628 AD) and the death of Yazdgerd III (651-632 AD) and his descendants in China. Since the different information in Jiu Tangshu and Xin Tangshu contains contradictory reports on the Sasanian kings, the researcher must use analytical and comparative methods in order to provide correct information on the Sasanians. Due to the importance of their information about the last years of the Sasanian Empire, the present article tries to compare the historiographical features and the narratives of these two texts to determine their correctness and inaccuracy. This study will show that eeeee eee nnn aa ggÄÄÄÄttee of tttt gggggghy aa s aasBd III a "regular chronology of events", the Sasanian narrative in Xin Tangshu is more accurate and authentic. This research will provide us valuable information on the last Sasanians in Tang texts.

* Article history:

Received 3 May 2021

Received in revised form 3 December 2021

Journal of Iranian Studies, 21(41), 2022

Accepted 9 January 2022

Published online: 28 June 2022

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: h.pasha@ltr.ui.ac.ir.

new clue to confirm that this statue also belongs to a Sasanian prince who lived in China and Tokharistan.

3. Discussion

One of the most important information about ancient Iran in Chinese texts, is the Sasanian accounts of Jiu Tangshu and Xin Tangshu. The parts related to the Sasanians are in the chapter 198 of Jiu Tangshu and chapter 221 of Xin Tangshu. Both books at first provide a report on the location of Sasanian Iran, its capital, population, number of cities, geography and culture. In this part, the only obvious difference is in Xin Tangshu's reference to the Sasanian ancestor (Ou Yangxiu, 1975: j. 221, 6258). These two books begin the account of Sasanian political events with narratives from the years after 605 AD. In this section, there are some differences between the two works. Information on Yazdegerd and his descendants in the Central Asia or at the Tang court appears in the variegated works of Muslim authors, Later Middle Persian Literature, and Chinese sources. Together with Middle Persian texts and Early Islamic sources, the Chinese texts provide the earliest written records about the last Sasanians in Central Asia and China. The Jiu Tangshu (舊唐書) of the Tang dynasty (唐, 618-907). It was compiled under the direction of Liu Xu (劉煦) and Zhang Zhaoyuan (張昭遠) during the Later Jin period (後晉, 936-946). The Xin Tangshu (新唐書), history (zhengshi 正史) of the Tang dynasty (唐, 618-907). It was written during Northern Song period (北宋, 960-1126). And the book Cefu yuangui (冊府元龜), or Outstanding Models from the Storehouse of Literature is one of the so-called "Four Great Books" (宋四大書) of the Northern Song. Collectively, they cover more than five hundred years.

The account of the last Sasanians in the Jiu Tangshu is a vague, and probably contains factual errors. For example, the section regarding Tocharistan. Errors, like this in the account of the last Sasanians in the Jiu Tangshu, are a reflection of the limited information with which the

بررسی تطبیقی روایت‌های مربوط به واپسین شاهان ساسانی در جیوتانگ- شو و شین تانگ‌شو*

حمیدرضا پاشازانوس^۱

چکیده

از جمله مفصل‌ترین روایت‌های مربوط به ساسانیان در متون چینی، گزارش‌های جیوتانگ‌شو و شین تانگ‌شو درباره واپسین شاهان ساسانی است. این گزارش‌ها ویژگی‌های سیاسی ایران ساسانی، تحولات سال‌های پر آشوب پس از خسرو دوم (۵۹۰ - ۶۲۸ م) و مرگ یزدگرد سوم (۶۳۲ - ۶۵۱ م) و بازماندگان وی در چین را نیز شامل می‌شود. اگرچه این دو اثر حاوی اطلاعات ارزشمندی هستند، اما محقق برای استفاده از آن‌ها علاوه بر دانش خط کلاسیک چینی، نیاز به استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی دارد. زیرا که در برخی قسمت‌ها تفاوت‌های محتوایی روایت‌های جیوتانگ‌شو با شین تانگ‌شو باعث شده که این دو کتاب گزارش‌های متفاوت و گاهی متضاد هم درباره شاهان ساسانی ارائه کنند. نظر به اهمیت اطلاعات آن‌ها درباره واپسین سال‌های شاهنشاهی ساسانی، مقاله حاضر سعی دارد تا نخست ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این دو اثر و سپس روایت‌های این دو متن را با یکدیگر مقایسه کرده تا درستی و نادرستی آن‌ها مشخص گردد. این بررسی نشان خواهد داد که از آنجا که سبک تاریخ‌نویسی شین تانگ‌شو مبتنی بر «گاهشماري

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

DOI: 10.22103/JIS.2022.17528.2174

مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۱، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۶۱-۹۷

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حق مؤلف © نویسندگان



۱. استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: h.pasha@ltr.ui.ac.ir

منظم وقایع» بود، روایت ساسانیان در شین‌تانگ‌شو از درستی و اصالت بیشتری برخوردار است. اصالت شین‌تانگ‌شو با وجود مجسمه پیروز و نرسی در مقبره چیان‌لینگ بیشتر مشخص می‌شود، مجسمه‌هایی که در پژوهش‌های جدید درست شناسانده نشدند و در این مقاله گزارش دقیقتری درباره آنها داده می‌شود تا از این طریق، روایت‌های صحیح و نادرست درباره ساسانیان در دربار تانگ تحلیل و ارزیابی شود.

واژه‌های کلیدی: ساسانیان، تانگ، جیو‌تانگ‌شو، شین‌تانگ‌شو و تحولات سیاسی.

۱. مقدمه

تاریخ، واقعیتهای برهنه را آشکار می‌کند که بسته به ترجیحات یا تعصبات شخص، می‌توان تفسیرهای مختلفی از آنها انجام داد. اما برخی واقعیتهای گسترده چندان قابل تفسیر نیستند. به عنوان مثال، وجود تاریخ‌نویسی مدون در چین از دوره هان و نبود چنین دانشی به شکل منسجم در ایران باستان مورد پذیرش اکثر محققان قرار گرفته است. فقدان تاریخ‌نویسی مدون در ایران باستان فهم تاریخ ایران باستان را سخت کرده و باعث شده تا بررسی آن منوط به اطلاعات متون تمدن‌های همجوار آن باشد. متون تاریخی یونان و روم به بخشی از پرسش‌های ما پاسخ دادند ولی در عین حال باعث ایجاد ابهام‌هایی نیز شدند. در چنین وضعی وجود تاریخ‌نویسی مدون در چین راهگشا خواهد بود و استفاده از این متون توسط محقق ایرانی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد. در چنین موقعیتی، کار مورخ و تحلیلگر نه تنها بسیار جدی است بلکه مشروط به در دسترس بودن منابع، متون و مهارت زبانی در استفاده از آنها می‌شود. درباره متون و منابع یونانی و رومی می‌توان گفت که ترجمه‌ها و تفسیرهای مناسب به انگلیسی و فارسی در دسترس است، اما در مورد منابع و متون چینی داستان فرق می‌کند.

پس از سقوط اشکانیان و روی کار آمدن ساسانیان، منابع چینی به مدت چند قرن هیچ اشاره‌ای از ایران ساسانی ندارند و در تمام این مدت همچنان از نام «آن‌شی»^۱ (اشکانی) برای

^۱ - Anxi (安息)

نامیدن سرزمین ایران استفاده می‌کردند. این امر خود بدان دلیل بود که با سقوط امپراتوری هان در چین و آغاز هرج و مرج در این کشور، چند پادشاهی در چین به طور همزمان قدرت را در دست گرفتند که خود هرج و مرج در این کشور و آسیای مرکزی را به بار آورد. از آن سو، پس از سقوط حکومت اشکانی و شروع حکومت ساسانیان، شاهان نخستین ساسانی بر تثبیت حکومت خویش نظر داشتند و چون خطر بارزی از شمال شرقی قلمرو خویش حس نمی‌کردند، علاقه‌ای نیز به ارتباط با چین نشان نمی‌دادند. این وضعیت منجر به عدم آگاهی دو سرزمین از حوادث سیاسی یکدیگر شد طوری که برای چند قرن چینی‌ها همچنان از نام «آن‌شی» استفاده می‌کردند. به تدریج از زمان شاپور دوم و هجوم اقوام موسوم به هون‌های سفید به شمال شرق ایران، شاهان ایرانی بر حفظ مرزهای شمال شرقی تمرکز کردند. چنان‌که در زمان یزدگرد اول و بهرام پنجم برای نخستین بار از اسامی شاهان کیانی و ملی ایرانیان استفاده می‌شود. این امر در زمان یزدگرد دوم به اوج خود می‌رسد و وی نخستین بار از لقب «کی» استفاده می‌کند. در همین دوره است که وی شو در فصل صد و دوم از کیداری‌ها نام می‌برد و در همان فصل از نام بوسی^۲، شاه و ساختار سیاسی آن یاد می‌کند.

بررسی نوع، کمیت و کیفیت روایت‌های مورخان چین باستان در مورد اشکانیان و ساسانیان، می‌تواند شیوه‌ای برای تشخیص میزان ارتباط دربارهای چین و ایران و در نتیجه آگاهی آن‌ها از یکدیگر باشد. به طور کلی می‌توان این روایت‌ها را به سه دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد: نخست، روایت‌های متون هان درباره آن‌شی یا سرزمین اشکانی که تنها ویژگی‌های کلی جغرافیا، فرهنگ و سیاست اشکانیان را شامل می‌شود. دوم، نخستین روایت‌های مربوط به ساسانیان و یزدگرد دوم در سده پنجم میلادی که در وی شو آمده و شامل جزئیات سیاسی و اداری ایران نیز می‌شود. این روایت‌ها حتی اطلاعاتی از شاه‌گزینی و نام صاحب‌منصبان ساسانی نیز ارائه داده‌اند. دسته سوم از این روایت‌ها، گزارش‌های

^۲ -Bosi (波斯)

مفصل مربوط به واپسین ساسانیان در متون تانگ است. بخش بزرگ این دسته از گزارش‌ها در جیوتانگ‌شو و شین تانگ‌شو آمده که تحولات دربار شاهان ساسانی و سال‌های پرآشوب پس از خسرو دوم (۵۹۰ - ۶۲۸ م)، مرگ یزدگرد سوم (۶۳۲ - ۶۵۱ م) و بازماندگان وی در چین را شامل می‌شود. تفاوت‌های نحوی و محتوای روایی جیوتانگ‌شو با شین تانگ‌شو باعث شده که این دو کتاب گزارش‌های متفاوت و گاهی متضاد هم ارائه کنند. نظر به اهمیت این متون و اطلاعات آنها درباره واپسین سال‌های عمر شاهنشاهی ساسانی، مقاله حاضر سعی دارد تا روایت‌های این دو متن را با یکدیگر مقایسه کرده تا درستی و نادرستی آن‌ها مشخص گردد. از آنجا که فقدان پژوهش‌های مبتنی بر بررسی متون تاریخی چین باستان باعث شده تا کیفیت محتوایی این آثار ناشناخته باشد. نبود چنین پژوهش‌هایی خود باعث عدم شناخت از کمیت و کیفیت اطلاعات مربوط به ساسانیان در این متون نیز می‌شود. نظر به اهمیت بررسی این متون، مقاله حاضر سعی دارد تا با روش تطبیقی - تحلیلی به بررسی تطبیقی دو اثر بسیار مهم دوره تانگ: جیوتانگ‌شو و شین تانگ‌شو پرداخته تا کیفیت اطلاعات آنها درباره ساسانیان مشخص گردد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

به دلیل روابط تاریخی ایران و چین و اینکه از زمان‌های بسیار قدیم توسط جاده‌های معروف ابریشم با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند، مطالعات مربوط به روابط ایران و چین در دوره ساسانی از دیرباز مورد توجه بوده است. از یک سو در چین، تا کنون صدها مقاله و کتاب در مورد ایران باستان و آثار مکشوفه ایرانی در چین چاپ شده است. برای نمونه تنها رونگ شینجیانگ (Rong Xinjiang) ده‌ها مقاله در مورد ایران ساسانی و فرهنگ‌های زیر مجموعه آن در چین دارد. از سوی دیگر نویسندگان ایرانی عمدتاً در نیمه دوم قرن بیستم تحقیقاتی در مورد این موضوع انجام دادند که شامل چند کتاب که کمتر از تعداد انگشتان یک دست است و چندین مقاله که عمدتاً کیفیت نازلی دارند، می‌شود. برخلاف چین و ایران، پژوهشگران غربی که دارای دو قرن سابقه تحقیق در رابطه با ایران و چین

هستند. در واقع، غربی‌ها مدتهاست که پرسش‌های بغرنج و مهمی را در مورد مناسبات ایران و چین پاسخ دادند که به فهم تاریخ این مناسبات بسیار کمک کرده است. با این حال روابط ایران و چین در دوره پیش از مغولان، حتی در میان مورخان غربی هم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌های خارج از چین بیشتر بر داده‌های باستان‌شناختی متکی بوده‌اند و عدم آشنایی به زبان و خط کلاسیک چینی باعث شد که اندک افراد غیر چینی به توانند از این متون به طور مستقیم استفاده کنند که خود باعث وجود اشتباهاتی در برخی از این پژوهش‌ها بشود. علی‌رغم آثار فاخر محققانی چون برتولد لوفر، شوانز، پل پیلو و غیره، محققان جدیدتر به خصوص در ایران ضعف‌های در آثارشان دارند. برای نمونه عدم دسترسی به متون قدیم و جدید تانگ باعث شده تا اطلاعات این متون درباره‌ی اواخر دوره ساسانی به شیوه مناسب استخراج نشود.

از جمله قدیمترین این آثار کتاب *ایران به روایت چین باستان* تالیف عباس تشکری است که در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است. اگرچه این اثر در زمان خود اثری ارزشمند بوده است اما خالی از نقص و اشتباه نیست. برای نمونه در قسمت مربوط به تجارت دریایی بین چین و ایران، نویسنده بر حضور ایرانیان در دریای چین تاکید دارد (تشکری ۱۳۵۶: ۴۲-۴۳). اگرچه در اوایل قرن بیستم، بعضی از محققین به تماس مستقیم بین چین و ایران از طریق خلیج فارس در اواخر دوره ساسانی معتقد بودند، اما در چند دهه اخیر، برخی نیز استدلال کردند که بازرگانان ساسانی معمولاً تولیدات چین و آسیای جنوب شرق را در بنادر سیلان در جنوب هند مبادله می‌کردند، اما خودشان به بنادر چین نمی‌رفتند (Hourani, 1947:157; Whitehouse and Williamson, 1973b: 45-46; Deeg, 2009; 153.)

از دیگر آثاری که در ارتباط با مناسبات ایران و چین به زبان فارسی تالیف شده است، کتاب «تاریخ روابط ایران و چین» تالیف علاءالدین آذری است. این کتاب به مناسبات ایران و چین از دوره اساطیری تا عصر حاضر در ۱۹۶ صفحه می‌پردازد. برخلاف تشکری که در اثر خویش تا حدودی از منابع چینی استفاده کرده است، نویسنده کتاب «تاریخ

روابط ایران و چین « به علت عدم آشنایی با زبان چینی به طور مستقیم به منابع چینی مراجعه نکرده است (آذری ۱۳۴۹، ۱۹۳-۱۹۶).

از جمله مهمترین آثاری که به فارسی ترجمه شده است مقاله «ایران و چین» تالیف ویلیام واتسن در تاریخ کمبریج است (واتسن ۱۳۸۳: ۶۴۹). از دیگر اشکالات مرسوم در مقالات ترجمه شده به فارسی که این اشکالات خود از اصل ترجمه بوده است، استفاده ناقص از اطلاعات متون چینی است. برای نمونه در مقاله واتسن، محقق محترم بر طبق متون تانگ اظهار می کند که پیروز با کمک سردار چینی از حدود سال ۶۷۰ تا ۷۰۸ در تلاش برای باز پس گیری تاج و تخت از دست رفته بود (واتسن ۱۳۸۳: ۶۵۹). این درحالیست که پیروز سال ۶۷۹ درگذشت و پس از وی پسرش نرسه تا سال ۷۰۸ در تخارستان حکومت می کرد. (Chavannes 1903: 258) برخی از این تالیفات که ایضاً به زبان فارسی نیز برگردانده شده اند، خالی از اشتباهات نیستند. در ادامه به برخی از این آثار به طور مفصل خواهیم پرداخت.

۱-۲. پیش زمینه تاریخی: سال های ضعف و پریشانی

از جمله رخداد های بسیار اثرگذار در اواخر عصر باستان فروپاشی شاهنشاهی ساسانی است. این رخداد علاوه بر ایران ساسانی، سرنوشت دیگر ملت ها را نیز تحت تأثیر قرار داد. اصلاحات خسرو انوشیروان در بدنه سیاسی و اداری شاهنشاهی ساسانی اگرچه در زمان وی منجر به نظام سیاسی-اداری متمرکز شد اما پس از وی در کنار دیگر عوامل خارجی و داخلی منجر به فروپاشی این نظام شد. سیاست های وی دگرگونی هایی را ایجاد کرد که کشور را به سوی چیرگی سرداران لشکر سوق داد. هر اسپهبد یا فرماندار، ایالت خود را مانند روزگار قدیم از ملوک الطوائف برمی شمرد و خود را پادشاه آنجا می خواند؛ مخصوصاً پس از آنکه خاندان سلطنتی ساسانی به واماندگی کامل افتاد، این تصور قوت گرفت. اگرچه سال های سلطنت خسرو اول دستگاه اداری ساسانیان از تمرکز بالا برخوردار

بود که خود نتیجه درایت فردی وی بود، اما نظام سیاسی ساسانی در نبود شاهی مقتدر به شدت متزلزل شده بود.^۳

در حالی که لشکرکشی خسرو دوم در مرحله اول خود (از ۶۰۲ تا ۶۲۲) موفقیت آمیز بود، اما هزینه‌های سنگین و تلفات انسانی این جنگ‌ها ارتش را خسته و خزانه را تهی کرده بود. خسرو در تلاش برای بازسازی خزانه، مالیات سنگین وضع کرد که از دلایل نارضایتی مردم در آستانه حملات اعراب بود. در حالی که شاهنشاهی او در آستانه شکست کامل قرار داشت، هراکلیوس (۶۱۰-۶۴۱ م) توانست با باقی مانده خزانه خویش، ارتش را بازسازی کرده و طی سال‌های ۶۲۲ تا ۶۲۷ میلادی جبهه‌های تازه‌ای علیه خسرو در آناتولی و قفقاز باز کند. نیروهای ساسانی تحت فرماندهی شهربراز و شاهین نتوانستند پیروز شوند و یک رشته پیروزی نصیب رومی‌ها شد. تأثیر پیروزی‌های هراکلیوس، ویرانی بخش‌های غنی شاهنشاهی ساسانی و تخریب آتشکده آذرگشسپ واقع در گنزک به سال ۶۲۲ م، قدرت خسرو و مشروعیت ساسانیان را به شدت کاهش داد. در اوایل سال ۶۲۸ م، وی توسط فرزندش قباد دوم یا شیرویه سرنگون و کشته شد. آشفتگی پس از سقوط خسرو دوم، با یک جنگ داخلی به مدت چهار سال به اوج خود رسید. درگیری‌ها بین خاندان‌های اصیل پارسی (پارسیگ) و پارتی (پهلوی) نیز از سر گرفته شد که موجب تجزیه قدرت نظامی و ثروت ملت شد (Pourshariati, 2008: 180).

چند ماه بعد، طاعونی ویرانگر استان‌های غربی ساسانیان را فرا گرفت و نیمی از جمعیت آن از جمله قباد دوم را هلاک ساخت. پس از مرگ شیرویه، بزرگان دربار ساسانی فرزند وی، شیرزاد را به سلطنت رساندند (دینوری، ۱۳۹۵: ۱۴۱). شیرزاد با نام اردشیر سوم به مدت یک سال و شش ماه سلطنت کرد. با توجه به اینکه اردشیر سوم در هنگام سلطنت هفت سال داشت، کشور عملاً توسط مهاذر گشنسپ وزیر وی اداره می‌شد (طبری، ۱۳۷۵، جلد دوم: ۷۸۰ - ۷۸۱). در این اثنا، شهربراز با هراکلیوس پیمانی بست و در نتیجه آن تمام

^۳ - برای مطالعه بیشتر بنگرید به اثر پروانه پورشریعتی با موضوع سقوط و افول ساسانیان، Pourshariati, 2008: 83-84.

مناطق اشغالی رومیان را تخلیه کرد. سپس با نیروی اندک تیسفون را فتح کرد و اردشیر را به قتل رساند. در این دوره سرداران به بسط قدرتشان مشغول بودند، شهربراز نیز سعی داشت تا حکومتش را قوام بخشد اما بعد از چهل روز توسط اشراف ساسانی کشته شد. سپس دو دختر خسرو بر تخت نشستند و پس از آن‌ها یزدگرد سوم پسر شهریار و نوه خسرو دوم بر تخت نشست (مسعودی، ۱۳۹۶، جلد اول: ۲۷۴-۲۷۵؛ طبری، ۱۳۷۵، جلد دوم: ۷۸۰ - ۷۸۵). در سال ۶۴۰ م، اعراب سرتاسر میان‌رودان را به دست گرفتند و خوزستان در سال ۶۴۲ م، پیش از نبرد نهاوند تصرف شد (طبری، ۱۳۷۵: جلد پنجم، ۱۹۷۰-۲۰۰۶). یزدگرد بعد از شکست در نهاوند به سال ۶۴۲ م، به پارس خاستگاه ساسانیان پناه برد و سعی در مقابله با اعراب داشت. اما زمانی که در سال ۶۵۰ م. اعراب آنجا را تصرف کردند ناچار شد تا به سمت خراسان بگریزد (Daryaei, 2009: 37).

در تمامی این سال‌ها، یزدگرد در جستجوی اتحاد با حاکمان مختلف چندین سال را به سفر از منطقه‌ای به منطقه دیگر سپری کرد. پیشرفت اعراب یزدگرد را مجبور کرد تا از امپراتوری تانگ که بخش بزرگی از آسیای مرکزی را فتح کرده بودند، درخواست کمک کند. یزدگرد دو فرستاده را به چین اعزام کرد و مطابق تاریخ جدید تانگ اولین فرستاده در سال ۶۳۹/۴۰ م (Ou Yangxiu, 1975: 6258) و بر طبق تاریخ قدیم تانگ فرستاده دوم در سال ۶۴۷/۴۸ م. به چین اعزام شد (Liu xu, 1975, j. 198: 5312). با این حال وی در سال ۶۵۱ م توسط یک آسیاب کشته شد و نتوانست کاری پیش برد (یعقوبی، ۱۳۸۲، جلد اول: ۲۱۶). اما تلاش‌های وی برای ارتباط با دربار تانگ بی‌ثمر نماند و پس از مرگش پیروز و دیگر بازماندگان یزدگرد به دربار تانگ پناهنده شدند که شرح جزئیات آن در تاریخ قدیم و جدید تانگ را در صفحات بعد شرح خواهیم داد. اما برای درک شیوه روایت متون تانگ درباره ساسانیان نخست می‌بایست از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری چین آگاه شد.

۲. بحث و بررسی

۲. دو اثر و دو روایت؛ ساسانیان در متون تانگ

از جمله مهم‌ترین اطلاعاتی که در متون چینی درباره ایران باستان وجود دارد، روایات مربوط به ساسانیان در جیوتانگ‌شو و شین تانگ‌شو است. قسمت‌های مربوط به ساسانیان در فصل‌های ۱۹۸ جیو تانگ‌شو و ۲۲۱ شین تانگ‌شو قرار دارد. این دو اثر شرح وقایع سیاسی ساسانیان را با روایت‌هایی از سال‌های پس از ۶۰۵ میلادی آغاز می‌کنند. در این بخش تفاوت‌هایی بین این دو اثر وجود دارد. برای درک بهتر ویژگی‌های این دو اثر که منجر به تفاوت ساختاری و محتوایی آنها شد، ابتدا می‌بایست نوع و شیوه تاریخ‌نویسی چینیان باستان را مطالعه کرد.

۲-۱. ویژگی‌های تاریخ‌نگاری جیوتانگ‌شو و شین تانگ‌شو

سنت ثبت تاریخ در چین به سلسله شانگ (حدود ۱۶۰۰-۱۰۴۶ ق.م.) برمی‌گردد و نمونه‌های بسیاری از کتیبه‌های آن دوره که بر روی لاک یا استخوان لاک‌پشت حک شده‌اند، باقی مانده است (Keightley, 1996: 68-70; Boltz, 1986:436). این نمونه‌ها به تدریج از شکل ساده ثبت اطلاعات روزانه به شکل‌های پیچیده‌تر ثبت وقایع درآمده و شکل اولیه وقایع‌نویسی را آفریدند. قدیم‌ترین این وقایع در کتابی موسوم به شوجین^۴ یا شانگ‌شو^۵ گردآوری شدند (Shaughnessy, 1993: 376-377). به تدریج شکل‌های دیگر از ثبت وقایع تاریخی ابداع شد، برای نمونه سالنامه‌های بهار و پاییز که به کنفوسیوس منسوب است (Wilkinson, 2012: 612). اما نخستین اثر مدون در تاریخ‌نویسی، کتاب شی‌جی است که در سده اول قبل از میلاد بوسیله سیمایان گردآوری شد. شی‌جی شامل صد و سی فصل است که هر فصل حاوی زندگینامه امپراتوران و اشخاص برجسته است و فصل آخر به سرزمین‌های غربی از جمله آن‌شی می

^۴ - Shujing (書經).

^۵ - Shangshu (尚書).

پردازد. استفاده مکرر مورخان بعدی از این اثر باعث شده تا سیمایان را پدر تاریخ‌نویسی در چین بدانند. این اثر همواره به عنوان الگوی تاریخ‌نویسی در چین انگاشته می‌شد به طوری که مجموعه به اصطلاح بیست و چهار تاریخ رسمی سلسله‌ای^۶ سبک و شیوه سیمایان در گردآوری شی‌جی را تقلید کردند.

پیش از سیمایان، متون تاریخی به شرح وقایع یک دوره مشخص یا توصیف یک سلسله منحصر بودند، اما شی‌جی برای نخستین بار وقایع جون‌گوا (چین) و جهان بیرون آن را در یک تاریخ عمومی و کلی گرد آورد. تواریخ چینی ماقبل شی‌جی تنها ذکر رویدادها بودند اما سیمایان سعی کرد تا تاریخ زمان خود را با منشی منطقی تفسیر کند. نایتو کنان^۷ چین‌شناس مشهور ژاپنی بر این باور بود که تاریخ‌نویسی در چین بر دو سنت استوار است: سبک «جامع و عمومی»^۸ سیمایان و سبک «سلسله‌ای»^۹ ابداع بان‌گو (Naito, 1976: 140-142; Fogel, 2003: 137).

جیو تانگ‌شو یا تاریخ کهن دودمان تانگ^{۱۰} نخستین اثر از مجموعه به اصطلاح «تاریخ سلسله‌ای» است که به تاریخ تانگ می‌پردازد. گردآورنده‌های این کتاب، لیو خو^{۱۱} و ژان ژائویوان^{۱۲} بودند که این اثر را طی سال‌های ۹۴۰ - ۹۴۵ م در دوره سلسله جین متأخر^{۱۳} (۹۳۶ - ۹۴۷ م) جمع‌آوری کردند (Fong, 2006: 3). مهمترین منبع برای تدوین

^۶ - zhengshi (正史).

^۷ - Naito Konan (内藤 湖南).

^۸ - Tongshi (通史).

^۹ - Duandai shi (断代史).

^{۱۰} - Jiu Tangshu (舊唐書).

^{۱۱} - Liu Xu (劉昫).

^{۱۲} - Zhang Zhaoyuan (張昭遠).

^{۱۳} - Later Jin (後晉).

جیوتانگ‌شو که شامل دویست فصل است، کتاب تانگ نوشته اوو جین^{۱۴} شامل صد فصل بود که در طی زمان از بین رفت. قسمت‌های دیگر جیوتانگ‌شو برگرفته از سالنامه‌ها و زندگی‌نامه‌هایی است که در دوره تانگ و سونگ تهیه شده بودند. بعد از تالیف شین-تانگ‌شو، کتاب قدیم تانگ توسط مورخان برای مدتی کنار گذاشته شد اما در دوره سلسله چینگ (۱۶۴۴ - ۱۹۱۱ م) دوباره به جمع تواریخ رسمی ارتقاء یافت. جیوتانگ‌شو شامل ۲۰۰ فصل است، فصل‌های ۱-۲۰ حاوی سالنامه امپراتورهای تانگ، فصل‌های ۲۱ تا ۵۰ شامل رساله‌هایی از جمله آداب، رسوم، جغرافیا و سیستم اداری تانگ (Twitchett, 2009: 229-231)، فصل‌های ۵۱-۲۰۰ شامل زندگی‌نامه‌های ملکه و همسران امپراتوران، خاندان امپراتوری و البته ملل همسایه با امپراتوری تانگ (۶۱۸ - ۹۰۷ م) است (Liu Xu, 1975: 2161 and 5311).

حدود صد سال پس از تدوین جیوتانگ‌شو، مورخان چینی با این استدلال که «کتابی می‌بایست نوشته شود تا واقعیت‌های بیشتر را با کلمات کمتر بیان کند»، شین‌تانگ‌شو یا تاریخ جدید دودمان تانگ^{۱۵} را تدوین کردند. این اثر به سرپرستی اویان‌شیو^{۱۶} و سون‌کی^{۱۷} مابین سال‌های ۱۰۴۳ - ۱۰۶۰ م در دوره سلسله سونگ^{۱۸} گردآوری شد (Fong, 2006: 3). منابع اصلی شین‌تانگ‌شو اسناد رسمی بودند اما دیگر متون تاریخی، سنگ‌نوشته‌ها، رساله‌ها و روایت‌ها را نیز شامل می‌شدند. مقایسه این دو اثر نشان می‌دهد که شین‌تانگ‌شو اطلاعات بیشتری در مورد روابط با کشورهای خارجی ارائه کرده است. این اطلاعات از گزارش جیا دان^{۱۹} با عنوان «گزارش درباره سرزمین‌های چهار جهت اصلی چین» گرفته

¹⁴ - Wu Jing (吳兢).

¹⁵ - Xin tangshu (新唐書).

¹⁶ - Ouyang Xiu (歐陽修).

¹⁷ - Song Qi (宋祁).

¹⁸ - Song dynasty (宋朝).

¹⁹ - Jia Dan (賈耽).

شده است. فصل‌بندی شین‌تانگ‌شو نیز بسیار مشابه جیوتانگ‌شو است. فصل‌های ۱ - ۱۰ سالنامه‌های امپراتوران تانگ را شامل می‌شوند. ویلکینسون خاطرنشان می‌کند که سالنامه‌های کتاب جدید تانگ به طور قابل توجهی کوتاه تر از کتاب قدیم تانگ است (Wilkinson, 2015: 737). فصل‌های ۱۱ - ۶۰ شامل رساله‌های بیشتری درباره موضوعات مشابه با جیوتانگ‌شو دارد. این کتاب نخستین تاریخ سلسله‌ای بود که در مورد انتصاب مقامات و سیستم آزمون که بعد از سال ۷۸۰ م به یکی از شیوه‌های مهم جذب نیرو در نظام اداری تانگ تبدیل شد، گزارش می‌دهد. (Twitchett, 2009: 90-91). در نهایت، فصل‌های ۶۱ - ۷۵ جدول‌ها را دربر دارند و فصل‌های ۷۶ - ۲۲۵ شامل زندگی‌نامه‌های داخل و ملل خارج چین می‌شوند (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260; Davis, 2001: 1-2).

از آنجا که هر سلسله در چین یک تاریخ رسمی دارد، پرسشی که برای خوانندگان طرح می‌شود این است که چرا دو تاریخ رسمی یا سلسله‌ایی برای امپراتوری تانگ نوشته شد؟ برای پاسخ به این پرسش می‌بایست به سال ۱۰۴۴ میلادی برگشت. در این سال امپراتور رنزون از سلسله سونگ^{۲۰} دستور داد تاریخی نو برای سلسله تانگ بنویسند زیرا که وی اعتقاد داشت: «بی‌نظمی در گاهشماری، پرداختن به جزئیات بی‌اهمیت، فقدان سبک مشخص و ضعف در پژوهش» در جیوتانگ‌شو بسیار بود (Cang, 2006: 16). کلمه «گردآوری» به واقع مناسب جیوتانگ‌شو است زیرا که این کتاب صرفاً مجموعه‌ای پراکنده از داده‌های اسناد و منابع دوره تانگ است. تنها برخی از دوره‌های تاریخ تانگ را مستند و طبق گاهشماری سالانه شرح می‌دهد ولی در دیگر بخش‌ها جیوتانگ‌شو فاقد ویژگی‌های یک کتاب تاریخ است به‌طوری‌که حتی در برخی قسمت‌ها برای یک شخص دو زندگی‌نامه آورده است.

²⁰ - Emperor Renzong of Song (宋仁宗).

فکر و نگاه فلسفی گردآورندگان شین‌تانگ‌شو باعث شد تا نتیجه کارشان از نظر ساختار و محتوا تفاوت چشمگیری با جیوتانگ‌شو داشته باشد. برای نمونه، اویان‌شیو رویکردی عقلانی در انتخاب گزارش‌ها منابع گوناگون داشت و هرگونه گزارش و خبری را که حاوی افسانه یا خرافات بود، کنار می‌گذاشت. نویسندگان تاریخ جدید تانگ دارای فکری سنتی نیز بودند و به تقلید از شی جی و هان‌شو جدول‌های^{۲۱} توصیفی حاوی سلسله-مراتب اداری تانگ و آمارهای سالانه وقایع مربوط به امپراتوران و مقامات عالی رتبه را نیز به کتاب اضافه کردند. نویسندگان همچنین از سبکی ساده اما باستانی استفاده کردند، برخلاف سبک مبتنی بر ادبیات اداری دربار تانگ که در جیوتانگ‌شو استفاده شد (Wilkinson, 2015: 737).

شین‌تانگ‌شو از مقبولیت بیشتری نزد نایتو و دیگر محققان تاریخ تانگ برخوردار است اگرچه نایتو انتقاداتی را نیز بدان وارد می‌داند، برای نمونه دقیق نبودن شین‌تانگ‌شو در تحلیل واقعیات تاریخی و استفاده از داستان به عنوان منبع تاریخی را از اشکالات این کتاب می‌داند (Ibid: 145-146). اما نکته مهم در اینجا تفاوت سبک تاریخ‌نگاری بین تاریخ کهن و جدید تانگ است که خود مهمترین عامل در وجود ابهام و اشتباهات متعدد در جیوتانگ‌شو بوده است. تفاوت در سبک این دو اثر بیش از هر چیز متأثر از تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره تانگ است. این تحولات آنقدر مهم و نو بوده که در نظر چین‌شناسانی چون «نایتو کنان» چین در اواسط دوره امپراتوری تانگ، قرن‌ها قبل از اروپا، به مدرنیته رسیده بود. به باور وی، اصلاح خدمات کشوری به نظامی شایسته سالار، کنار رفتن اشراف باستانی چین از بوروکراسی امپراتوری و سیستم اداری مبتنی بر آزمون (Twitchett, 2009: 90-91)، جامعه‌ای مدرن را ساخت. به عبارت دیگر، نایتو استدلال می‌کند که تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که از اواسط سلسله تانگ تا

21 - 表.

اوایل سلسله سونگ در چین رخ داده، نشان‌دهنده گذار از «چوسی»^{۲۲} یا قرون وسطا به «کین سی»^{۲۳} یا اوایل مدرنیته است (Luo, 2005: 99-100).

انتقال از عصر میانه به مدرنیته در حوزه تاریخ‌نگاری نیز اتفاق افتاد. درحالی‌که سنت تاریخ‌نویسی چین تا دوره تانگ همچنان به شیوه شی‌جی و هان‌شو یعنی بر سبک زندگی - نامه‌نویسی استوار بود، از اواسط دوره تانگ با تالیف شی‌تون^{۲۴} به عنوان نخستین اثر درباره تاریخ‌نگاری چین، به تدریج دستخوش تغییر شد. این کتاب که بین سالهای ۷۰۸ و ۷۱۰ میلادی توسط لیو ژی‌جی^{۲۵} نوشته شد، نگاهی نظری و فلسفی به ساختار و روش تاریخ‌نگاری در چین دارد. به تدریج دو نوع سبک مبتنی بر گاهشماری در چین توسعه یافت. سبک موسوم به «بیان‌نیان»^{۲۶} که بر اساس حوادث یک سال تاریخ را روایت می‌کرد. نمونه کامل این سبک را می‌توان در اثر بزرگ «آینه جامع در کمک به دولت» یازی‌ژی^{۲۷} تون‌جیان^{۲۷} یافت (Naito, 1976: Vol. 11, 204-219; Fogel, 2003: 146). سبک دوم «جی ژوان‌تی»^{۲۸} نام داشت که ژن کیائو^{۲۹} در اثرش موسوم به تون‌ژی^{۳۰} از آن استفاده کرد. این سبک بر گاهشماری زندگی افراد خاندان، وقایع را نقل می‌کرد. اگرچه در گزارش برخی قسمت‌های اولیه تاریخ تانگ، جیوتانگ‌شو از سبک «بیان‌نیان» بهره می‌-

۲۲ -) ffII(中世).

۲۳ - Kinsei (近世).

۲۴ - Shitong (史通).

۲۵ - Liu Zhiji (刘知几).

۲۶ - biannian (編年).

۲۷ - Zizhi Tongjian (資治通鑑).

۲۸ Jizhuanti (紀傳體).

۲۹ - Zheng Qiao (鄭樵).

۳۰ - Tongzhi (通志).

برد اما این سبک به شکل منظم در سرتاسر کتاب به کار نرفت و به شکل پراکنده استفاده شد. درست برخلاف، شین‌تانگ‌شو که از گاهشماری رویدادها به طور منظم استفاده کرد. به عبارت دیگر، هرچقدر نویسندگان تاریخ قدیم و جدید تانگ از سبک گاهشماری رویدادها استفاده بهتری کردند، به همان اندازه فهم روایت‌های تاریخی اثر خود را دشوار یا آسان می‌ساختند. برای نمونه، آشفستگی در گاهشماری و فقدان سبک مشخص در روایت ساسانیان در جیوتانگ‌شو باعث شده تا گزارش مربوط به ساسانیان در آن از نظم گاهشماری برخوردار نباشد. در قسمت بعد به جزئیات این روایت‌ها توجه خواهد شد.

۲-۲. ساسانیان در جیوتانگ‌شو و شین‌تانگ‌شو

از جمله مهمترین اطلاعات موجود در متون چینی درباره ایران باستان، گزارش‌های مربوط به ساسانیان در جیوتانگ‌شو و شین‌تانگ‌شو است. قسمت مربوط به ساسانیان در فصل صد و نود و هشتم جیوتانگ‌شو و فصل دویست و بیست و یکم شین‌تانگ‌شو قرار دارد. هر دو کتاب در ابتدا گزارشی از موقعیت ایران ساسانی، پایتخت، جمعیت، تعداد شهرها، جغرافیا و فرهنگ مردمانش آورده‌اند. در این قسمت تفاوت بارز تنها در اشاره شین‌تانگ‌شو به جد ساسانیان است که می‌نویسد:

其先波斯匿王，大月氏別裔，王因以姓，又為國號。

پادشاه قبلی آن بوسی نی یکی از اولاد دایوئه‌جی^{۳۱} [کوشانیان] بود و پادشاه کنونی این اسم را به عنوان نام فامیلی خود گرفت و بعد این اسم نیز عنوان کشور شد (Ou Yangxiu, 1975: j. 221, 6258).

با توجه به این که این گزارش در جیوتانگ‌شو نیست، به احتمال بسیار مولف شین-تانگ‌شو این روایت را از کتاب زی‌ژی تون‌جیان گرفته‌است، در زی‌ژی تون‌جیان آمده که:

³¹ . à yuè zāT (大月氏).

其先波斯匿王，大月氏別裔，王因以姓，又以為國號。

بوسی‌نی شاه [بوسی] بود که نام خانوادگی او بر کشورش نیز اطلاق می‌شد و از تبار دایوئه‌جی^{۳۲} بود (Sima Guang, j, 199).

در ادامه دو کتاب گزارش وقایع سیاسی ساسانی را با روایت‌های سال‌های پس از ۶۰۵ میلادی شروع می‌کنند. در این قسمت چند مورد تفاوت بین دو اثر وجود دارد. نویسنده جیوتانگ‌شو می‌نویسد:

施利立一年卒，乃立庫薩和之女為王，突厥又殺之。施利之子單羯方奔拂菻，於是國人迎而立之，是為伊恒支，在位二年而卒。兄子伊嗣候立。

« [پادشاه پارس] شی‌لی^{۳۳} پس از یک سال مرد و دختر کوساخه به پادشاهی رسید. ولی ترک‌ها او را نیز به قتل رساندند. سپس، شی‌لی‌ژی^{۳۴} پسر شی‌لی به روم فرار کرد. کمی بعد، مردم او را مورد استقبال قرار دادند و با عنوان «ای‌هن‌ژی»^{۳۵} بر تخت نشاندند که دو سال سلطنت کرد و مرد. و برادر بزرگترش به نام ای‌سی‌هو^{۳۶} بر تخت سلطنت نشست.»

با مراجعه به اصل متن جیوتانگ‌شو چند نکته مشخص می‌شود. نخست اینکه در اصل متن نام شیرویه به صورت شی‌لی آمده است اما برخی نویسندگان و مترجمان فارسی در ترجمه این قسمت از جیوتانگ‌شو، آن را به صورت شی‌لی‌لی ترجمه کرده است (جان‌سین

³² dà yuè zhī (大月氏).

³³ - Shīlì (施利).

³⁴ - Shī lì zhī (施利之).

³⁵ - ī héng zhī (伊恒支).

³⁶ - yī hh hòu (伊嗣候).

لیان، ۱۳۸۵: ۷۲). این خود نتیجه اشتباه در خوانش و فهم کاراکتر «لی»^{۳۷} به معنی «به تخت نشستن» در جمله “施利立一年卒” است. همینطور برخی مترجمان فارسی در ترجمه بالا نام «شی لی‌ژی» را انداخته و «ایی سی‌هو» را پسر «ایی هن‌ژی» معرفی کرده است (همان: ۷۲)، درحالی که در متن برادر او معرفی شده است. علاوه بر «شی لی» که همان شیرویه پسر خسرو دوم است، «شی لی‌ژی» احتمال بسیار رونوشتی از «شیرزاد» فرزند شیرویه بوده که بر طبق گزارش فوق بعد از به تخت نشستن ملقب به «ایی هن‌ژی» شد. اگر رونویسی شیرزاد صحیح باشد، «ایی هن‌ژی» نیز آوانویسی از «اردشیر سوم» است. برای این ادعا چند دلیل وجود دارد که با تطبیق متن جیو تانگ شو با شین تانگ شو و هر دوی این‌ها با متون تاریخی نخستین مورخان اسلامی می‌توان این فرضیه را تایید کرد (دینوری، ۱۳۹۵: ۱۴۱). احتمال بسیار شیرزاد که به اردشیر سوم معروف شد، به شیوه شاه‌گزینی ساسانیان به شاهی رسید. رسمی که در متون چینی با جزئیات و دقیق گزارش شده است. این رسم در چند سطر قبل تر توسط مولف جیو تانگ شو نیز مورد اشاره قرار گرفته است. نویسنده می‌نویسد:

其王初嗣位，便密選子才堪承統者，書其名字，封而藏之。王死後，大臣與王之群子共發封而視之，奉所書名者為主焉。

پادشاه در آغاز نشستن بر تخت شاهی، مخفیانه پسری را که می‌تواند جانشین وی باشد، بر می‌گزیند. نام وی را نوشته، مهر و موم کرده در جایی پنهان می‌کند. پس از مرگ پادشاه، بزرگان صاحب‌منصب و جمعی از پسرانش نامه را گشوده و آن را مشاهده می‌کنند و نام برگزیده را به عنوان سرور خود اعلام می‌کنند (Liu xu, 1975, j. 198: 5311).

³⁷ - lì (立).

این گزارش نخستین بار با جزئیات بیشتر در وی شو^{۳۸} ثبت شد و بعدها در متون دیگر چین مانند ژوشو^{۳۹}. (Linghu Defen, 1971, j. 50: 919) نیز ذکر شده است، گزارش وی شو عبارت است از:

王即位以後，擇諸子內賢者，密書其名，封之於庫，諸子及大臣皆莫之知也。王死，眾乃發書視之，其封內有名者，即立以為王，餘子出各就邊任，兄弟更不相見也。

هنگامی که شاه بر مسند می نشیند، اول اسم شایسته ترین پسر خود را روی یک کاغذ می نویسد و در جایی مخفی می گذارد، وقتی رخت از جهان بر بست، پسران وی و وزرا نوشته او را بیرون می آورند. پسری که اسم آن نوشته شده، شاه جدید می گردد. بقیه شاهزادگان به مناطق مرزی کشور فرستاده می شوند. از آن به بعد شاید در تمام عمر، پادشاه را ملاقات نکنند. (Weishou, 1974, j. 102: 2271)

در ادامه جیوتانگ شو و شین تانگ شو گزارشی مفصل درباره پیروز فرزند یزدگرد سوم دارند. بیشتر قسمت های هر دو گزارش یکسان است اما تفاوت اصلی در این است که جیوتانگ شو اشاره ای به نرسی ندارد. این اشتباه ناشی از اشتباه نویسنده در سالشماری وقایع بوده که خود متأثر از سبک جیوتانگ شو یعنی گزارش وقایع در قالب زندگی نامه ها اتفاق افتاده است. در این سبک بیشتر زندگی نامه ها تنها با نقل از آثار و اسناد دوره تانگ و بدون نظم گاهشماری روایت می شدند. در اینجا گزارش شین تانگ شو که از اصالت بیشتری برخوردار است به طور مستقیم نقل می شود:

^{۳۸} - وی شو یا کتاب وی (Wèihū (魏書)) تاریخ رسمی سلسله وی شمالی (Wēi Shū (魏書))، چینی: 北魏؛ ۵۳۴-۳۸۶ م) است که توسط وی شو (WeiShou (魏收)) نوشته شد.

^{۳۹} - ژوشو یا تاریخ دودمان ژو (ZhōuShū (周書)) توسط لین قو دفن (Linghu Defen (令狐德)) گردآوری شده است.

子卑路斯入吐火羅以免。遣使者告難，高宗以遠不可師，謝遣，會大食解而去，吐火羅以兵納之。龍朔初，又訴為大食所侵，是時天子方遣使者到西域分置州縣，以疾陵城為波斯都督府，即拜卑路斯為都督。俄為大食所滅，雖不能國，咸亨中猶入朝，授右武衛將軍，死。始，其子泥涅師為質，調露元年，詔裴行儉將兵護還，將復王其國，以道遠，至安西碎葉，行儉還，泥涅師因客吐火羅二十年，部落益離散。景龍初，復來朝，授左威衛將軍。病死，西部獨存。

پسرش [پسر یزدگرد سوم] پیروز جان سالم به در برد و به تخارستان فرار کرد. پیروز سفیران خود را برای کمک خواهی از دربار تانگ فرستاد. ولی امپراتور گائو زونگ به علت بعد مسافت از دادن کمک عذرخواهی کرد و سفیران را پس از پذیرایی روانه کشورشان نمود. در آن زمان، اتفاقاً سربازان عرب عقب کشیدند و تخارستان وی را به عنوان پناهنده پذیرفت. پیروز در سال اول لو شو (۶۶۱-۶۶۴ م) بار دیگر سفیران خود را فرستاد و اظهار کرد که عرب‌ها به سرزمین او تجاوز کردند. اتفاقاً در آن زمان، امپراتور چین می‌خواست برای برقراری دستگاه‌های اداری و سیاسی نمایندگان خود را به سرزمین غربی بفرستد، لذا شهر جی لین را به عنوان مقر فرماندهی پارس تعیین کرد و پیروز را فرمانده آنجا گماشت. چیزی نگذشت، کشورش به وسیله اعراب اشغال گردید. پیروز که حکومت خود را از دست داده بود، در اواسط سال‌های سیان هن (۶۷۰-۶۷۴ م) به دربار آمد و امپراتور به او لقب فرمانده جناح راست محافظ امپراتوری تفویض کرد. بعد درگذشت. نرسه پسر وی در دربار مانده بود. در سال اول تیائو لو (۶۷۹ م) در دوره حکومت امپراتور گائو زونگ، امپراتور به پی سین جیان فرمان داد که با گروهی از سربازان، نرسه را به سرزمین خود برساند تا حکومت برقرار سازد. ولی پی سین جیان به دلیل دوری راه تا توکماک رسید و به چین بازگشت. نرسه به تخارستان رسید و در آنجا برای مدت بیست سال پناه برد. در این مدت، قوای نظامی وی به تدریج پراکنده شدند.

نرسه در سال های اول جین لون (۷۰۷-۷۱۰ م) در دوره حکومت امپراتور سو زون، باز به دربار رسید. امپراتور لقب فرمانده جناح چپ محافظ امپراتوری را به او تفویض کرد. بعد از مدتی به علت بیماری درگذشت (Ou Yangxiu, 1975, j. 221: 6258-6260).

همانطور که گفته شد، در گزارش جیوتانگ شو به اشتباه اشاره‌ای به نرسی نمی‌شود. این اشتباه در مقالات ترجمه شده به فارسی نیز وارد شده که خود ناشی از عدم مراجعه به متون تانگ است. برای نمونه در مقاله واتسن، محقق محترم بر طبق متون تانگ اظهار می‌کند که پیروز با کمک سردار چینی از حدود سال ۶۷۰ تا ۷۰۸ م در تلاش برای باز پس‌گیری تاج و تخت از دست رفته بود (واتسن ۱۳۸۳: ۶۵۹). این در حالی است که پیروز سال ۶۷۹ م درگذشت و پس از وی پسرش نرسه تا سال ۷۰۸ م در تخارستان حکومت می‌کرد. (Compareti, 2009) اشتباه فوق خود ناشی از آن است که شرح واپسین ساسانیان در جیوتانگ شو مبهم است و احتمالاً خطاهایی دارد (Ibid, 2009). برای مثال بخشی که به پیروز^{۴۰} مربوط است کاملاً با آنچه در شین‌تانگ شو آمده، متفاوت است. مطابق تاریخ قدیم تانگ، دربار تانگ فرمانده‌ای موسوم به پی‌شین‌جیان^{۴۱} را به کمک پیروز فرستاد اما وی پس از شکست خان ترک، پیروز را رها کرد. سرانجام اینکه پیروز تا سال ۷۰۸ م در حال نبرد با اعراب بود و در همان سال به دربار چین برگشت (Liu Xu, 1975: 5311-5313) در حالی که تاریخ جدید تانگ گزارش می‌دهد که پی‌شین‌جیان به نرسه یاری رساند. وی پس از این که خان ترک را شکست داد، به پیشروی به سمت ایران شهر ادامه نداده و شاهزاده ایرانی را در آنجا تنها گذاشت. نرسه در سال ۷۰۸ م به دربار تانگ برگشت (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260). خطاهایی مانند این در شرح آخرین ساسانیان در تاریخ قدیم تانگ، بازتاب اطلاعات محدودی است که نویسنده در اختیار داشته است. با توجه به این که تاریخ قدیم تانگ در طول سلسله سونگ اصلاح،

⁴⁰ -Beilusi (卑路斯).

⁴¹ - Pèi Xnng āān (裴行儉).

بازبینی و با عنوان تاریخ جدید تانگ منتشر شده است، به نظر می‌رسد که شرح آخرین ساسانیان در تاریخ جدید تانگ قابل اعتمادتر است زیرا این کتاب زمانی که نویسندگان به دیگر منابع مرتبط دسترسی داشته‌اند، نوشته شده است (Sivin, 1968: 88; Wilkinson, 2000: 820). روایت نادرست مربوط به نرسی در دیگر ترجمه‌های فارسی نیز دیده می‌شود. برای نمونه تورج دریایی در مقاله «فرزندان و نوادگان یزدگرد سوم در چین» می‌نویسد که نرسه سی سال با اعراب جنگید (دریایی ۱۳۹۲: ۱۱۴). این درحالیست که در شین تانگ شو بیست سال گزارش شده است (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260). اشتباه روایات مربوط به یزدگرد و بازماندگانش در تالیفات فارسی نیز دید می‌شود، برای مثال کتاب میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین «بنادر گوانجو، چوانجو، خانجو» که اطلاعات دست اول و ارزشمندی درباره تبادلات فرهنگی ایران و چین در دوره باستان دارد، آورده که نخستین تماس ساسانیان و دربار تانگ در سال ۶۴۸ م بوده است (وثوقی ۱۳۹۵: ۵۸-۵۹). درحالی که مطابق تاریخ جدید تانگ، اولین فرستاده در سال ۶۳۹/۴۰ م اعزام شد که موس‌پان^{۴۲} (احتمالاً مرزبان) در رأس آن قرار داشت (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260). همه این اشتباهات نتیجه نبود یک ترجمه انتقادی از متون تانگ به زبان فارسی است. با توجه به اطلاعات مهم متون چینی درباره سیاست، جامعه و فرهنگ ایران باستان، ترجمه انتقادی این متون اجتناب ناپذیر می‌نماید.

اینگونه از اشتباهات در دیگر ترجمه‌های فارسی از پژوهش‌های غربی نیز دیده می‌شود. برای نمونه در نوشته‌ها و تحقیقاتی که در مورد پیروز فرزند یزدگرد سوم و پناه وی به دربار تانگ نوشته شده است، بارها اشاره شده است که هم اکنون کتیبه‌ای بر پشت پایه مجسمه پیروز در مقبره چیان‌لینگ^{۴۳} (Qianling) در شی‌آن (Xi'an) وجود دارد که مضمون آن عبارت است از:

^{۴۲} - Mo-se-pan (没似半).

^{۴۳} - چیان‌لینگ آرامگاه امپراتور گانوزونگ (Gaozong) (وفات ۶۴۹-۸۳ م) و همچنین همسرش وو زتیان (Wu Zetian) است که از سالهای ۶۹۰-۷۰۵ م تنها امپراتور زن چین بود. این بنا درهشتاد و پنج کیلومتری شمال غربی شهر شی‌آن، استان شانشی

右骁衛大將軍兼波斯都督波斯王卑路斯

«پیروز، شاه پارس، فرمانده بزرگ گارد دلیر راست و فرمانده کل پارس»

از جمله متقدمانی که در غرب به این کتیبه اشاره کرده اند آنتونینو فورته (Antonino Forte) است. فورته می نویسد که «مجسمه واقعا به پیروز تعلق دارد و این ادعا با کتیبه ای که هنوز هم در پشت آن قابل خواندن است، بی چون و چرا تصدیق می شود» (Forte 1996: 404) متیو کمپرتی (Matteo Compareti) و تورج دریایی نیز در ادامه گزارش فورته را تکرار کرده و به وجود کتیبه در پشت پایه ستون و یا پشت مجسمه بدون سر پیروز اشاره کرده اند (Compareti 2003: 203; Compareti 2009; Daryaee 2003: 542). فورته و کمپرتی در مورد مجسمه بی سر یک ایرانی دیگر با نام نان می (Nanmei 南昧) هم در میان شصت و چهار مجسمه واقع در چیانلینگ سخن کرده اند (Compareti 2003: 203).^{۴۴} اگرچه فورته درباره بازماندگان یزدگرد سوم در چین، مطالعات ارزشمندی داشته اند که منجر به افزایش اطلاعات ما درباره تاریخ ساسانی شده است اما به نظر می رسد که در این مورد، اشتباهی توسط وی انجام شده است. در واقع هیچ کتیبه ای بر پشت پایه این مجسمه ها حک نشده بود و کتیبه ها بر پشت و ستون فقرت مجسمه نوشته شده بودند و دوم آنکه او متوجه نشده است که دو کتیبه پیروز و نان می حداقل قبل از سال ۱۹۵۸ فرسایش یافته و دیگر بر پشت مجسمه ها وجود ندارند.

چین واقع شده است. در گذشته شصت و چهار مجسمه مقامات عالی رتبه خارجی وابسته به دربار تانگ در دو طرف دروازه مقبره چیانلینگ قرار داشت که امروزه شصت و یک مجسمه سالم مانده است. هم اکنون سی و دو مجسمه در سمت راست و بیست و نه مجسمه در سمت چپ از دروازه مقبره قرار دارد که در میان آنها مجسمه پیروز و نان می (نرسی) نیز وجود دارد.

^{۴۴} - نام پیروز در متون تانگ و کتیبه فوق به صورت بیلوسی (Beilusi 卑路斯) آمده و نام نرسی به صورت نان می (Nanmei 南昧) ذکر شده است.

اگرچه این کتیبه‌ها هم اکنون بر پشت مجسمه‌های خود وجود ندارد اما محتویات و اطلاعات دقیق این کتیبه‌ها در متون تاریخی چین ثبت شده است. چن گواکن نیز این اطلاعات (از جمله نام و عنوان پیروز و نان‌می) را از برخی متون تاریخی چینی مانند کتاب چانگ‌آن جی‌تو (*Chang'an Zhitu (长安志图)*) نوشته لی هائو ون (Li Haowen) گرفته است. به گفته چن گواکن، مجسمه‌ها در حدود سال ۷۰۵ میلادی ساخته شده‌اند. (Chen Guocan 1980: 190) به تدریج مقامات سلسله‌های بعدی چین مشاهده کردند که این کتیبه‌ها در حال نابودی است و به همین جهت شروع کردند به گزارش و ثبت اطلاعات این کتیبه‌ها در لوح‌های مختلف که در کنار مجسمه‌ها گذاشته شدند (Ibid: 190) حفظ اطلاعات این کتیبه‌ها در سالهای بعد نیز ادامه پیدا کرد و همینطور لی هائو ون در حدود سال ۱۳۲۱ م متن این کتیبه‌ها را در اثر خود چانگ‌آن جی‌تو گزارش کرد. در گزارش وی تنها متن سی و نه کتیبه گزارش شده است که حکایت از فرسایش و نابودی دیگر کتیبه‌ها دارد. همانطور که وی اشاره می‌کند که بیست و نه مجسمه در سمت چپ درواز و سی و دو مجسمه در سمت راست وجود دارد که خود نشان از نابودی برخی مجسمه‌ها دارد (Pasha zanous et al 2018: 503). گزارشات دوره مینگ اشاره دارد که در پی حوادث مختلف سرهای بیشتر مجسمه‌ها مفقود شده بود. اما برخی از این سرها در سده‌ها بعد پیدا شدند. حداقل تاکنون قسمت‌هایی از سرهای دو مجسمه کشف (شکل ۱) کشف شده و با دو مجسمه در سمت راست مطابقت دارد و احتمال بسیار در سال ۱۹۷۱ کشف شده است (Fan, Yingfeng, et al, 2005: 145; Zhou, 2009: 233).

شکل ۱: مجسمه‌ایی با سری دارای موه‌های مجعد و سیبل که در میان سی و دو مجسمه سنگی در سمت راست دروازه آرامگاه قرار دارد (عکس از نویسنده در سفرش به چین اردیبهشت ۱۳۹۵).



اگرچه مشخص نیست که این سرها به کدام مجسمه‌ها تعلق دارد، با این حال، یکی از این دو سر دارای موه‌های مجعد و سبیل پارتی است (شکل‌های ۱ و ۲) که آرایش مو و چهره آن بسیار مشابه نقش برجسته‌های سنگی ایران باستان است. موه‌های مجعد که مشابه سبک سنتی پادشاهان ساسانی است (Hinz 1969, pls. 51 ff; Göbl 1971, pls. 1-15). آمیختگی سنت‌های هنری اشکانی و ساسانی نشان از این دارد که این سر احتمالاً متعلق به یک شاهزاده ساسانی باشد که در قسمت‌های شرقی قلمرو ساسانیان حاکم بود جایکه هنر و سنت‌های اشکانی پررنگ بوده است. علاوه بر این، ویژگی‌های آرایش چهره و موه‌های این سر بسیار شبیه به نوع صورت یک شاهزاده در حال ضیافت منقش بر بشقاب نقره ای مطلا مکشوفه در لوگوکا (Lugovka) روسیه است که در سال ۱۹۰۹ یافت شده است. (Agostini and Stark, 2016: 32-33) بوریس مارشاک (Boris I. Marshak) یک بار پیشنهاد کرد که بشقاب لوگوکا در مناطق ترک نشین شرق ایران یا دقیق تر در تخارستان جایکه پیروز و نرسه بازماندگان یزدگرد سوم حکومت می‌کردند، تولید شده است. (Marshak, 1986: 276-278) آگوستینی و استارک نیز پیشنهاد

مارشاک را تأیید کردند و بشقاب لوگوکا را به بازماندگان یزدگرد منصوب دانستند (Agostini and Stark, 2016: 32-33). با توجه به جایگاه و القاب پیروز و نرسه در دربار تانگ، به نظر می‌رسد که هر دو آنها برای دربار چین با شاهان پارسی هم تراز بودند. از این رو اهمیت آنها در چین دربار تانگ را متقاعد کرد که مجسمه‌ای برای آنها بسازد. بنابراین، سر مجسمه مذکور به یکی از این دو شاهزاده ساسانی تعلق دارد.

شکل ۲: نمایی نزدیکتر از آرایش موهای سر و سیل مجسمه.



۳. نتیجه‌گیری

پرسش اصلی در مقاله حاضر تفاوت و تشابه اطلاعات دو اثر بسیار مهم دوره تانگ، جیوتانگ‌شو و شین تانگ‌شو بوده تا از این طریق کیفیت اطلاعات آنها درباره ساسانیان مشخص گردد. پس از بحث در مورد تاریخ‌نویسی دوره تانگ، نویسنده با آوردن روایت‌های متون تانگ مربوط به بازماندگان یزدگرد سوم در دربار تانگ اشتباهات جیوتانگ‌شو را نشان داده تا دلایل اصالت شین تانگ‌شو مشخص گردد. در واقع، دسترسی به داده‌های باستان‌شناختی در چین و عدم آشنایی با خط کلاسیک چینی باعث شده که محققان ایرانی در سال‌های اخیر بیش‌تر به مطالعه مواد فرهنگی و تبادلات فرهنگی بین ایران و چین پرداخته و به سراغ متون تاریخی چین باستان نروند. به همین خاطر جزئیات گزارش‌های این

دو متن تاریخ تانگ درباره ساسانیان مورد توجه قرار نگرفته است. نویسنده بر آن است که شین تانگ شو تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران اواخر دوره ساسانی را به طور دقیق تر شرح داده است. در واقع، وجود سبک‌های متفاوت تاریخ‌نگاری در عصر تانگ و سونگ باعث شده تا کیفیت روایت‌های جیوتانگ شو و شین تانگ شو با یکدیگر متفاوت باشد. از یک سو، همانطور که نایتو به وضوح نشان داده تفاوت ادبی بین تاریخ قدیم و جدید تانگ در این است که جیوتانگ شو فاقد ادبیات فاخر و صرفاً رونویسی اسناد و اطلاعات مهم عصر تانگ است ولی شین تانگ شو بر سبک باستانی نوشته شده و از منابع فرهنگی به مانند سنگ‌نوشته‌ها و تاریخی استفاده کرده و در تاریخ‌نویسی نسبت به جیوتانگ شو رویکردی مدرن داشته است. به همین خاطر است که نام نرسی پسر پیروز در این اثر به درستی آمده و درحالی‌که جیوتانگ شو تنها از پیروز نام برده است. مواد باستان-شناختی نیز گزارش شین تانگ شو را تایید می‌کند. ضمن اینکه به اشتباهات محققان جدید در مورد جزئیات مجسمه‌های پیروز و نرسی در چیان‌لینگ نیز اشاره رفت، بحث شد که محتوای کتیبه‌های این مجسمه‌ها تنها در متون تاریخ چین باقی مانده و به وجود مجسمه دو شاهزاده پیروز و نرسی در چیان‌لینگ اشاره دارد. در واقع نویسندگان پس از تانگ به مانند لی هائوون از وجود دو مجسمه متعلق به پیروز و نان‌می یا نرسی در مقبره چیان‌لینگ یاد می‌کنند، دو شاهزاده ای که روایت زندگی شان تنها در شین تانگ شو دیده می‌شود زیرا جیوتانگ شو تنها از پیروز نام برده است. البته ساخت مجسمه برای نرسی بر جایگاه مشابه وی با پیروز در دربار تانگ تاکید دارد و حفظ کتیبه این دو شاهزاده دلیلی دیگر بر دقت و اصالت روایت شین تانگ شو و اشتباهات روایت جیوتانگ شو است که از نرسی که جایگاهی مهم داشته، نامی نبرده است.

- Boltz, William G. (1986). Early Chinese Writing, *World Archaeology*, 17 (3), Early Writing Systems, 420–436.
- Cnng, X. (000). Zggggóóó hñééé míggzùù íí ggjiè, (A Review of Famous Chinese Historical Works). gggggggg gùùùù ùùùùùù ùùè, Vol. 2.
- Compareti, M. (2009). Chinese-Iranian Relations, xv. The Last Sasanians in Cii ,, , ' in yyyyllopæii a Iriii aa, Oll iee Edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/china-xv-the-last-sasanians-in-china>
- Compareti, M. (2003). The Last Sasanians in China, *Eurasian Studies*, 2(2), 197-213.
- Daryae, T. (2003). The Sons and Grandsons of Yazdgird in China *Iranshenasi, A Journal of Iranian Studies*, XV, 3, 540-548.
- Daryae, T. (2009). *Sasanian Persia: The Rise and Fall of an Empire*, London: I. B. Tauris.
- Davis, Richard L. (2001). Chaste and Filial Women in Chinese Historical Writings of the Eleventh Century. *Journal of the American Oriental Society*. 121 (2): 204–218.
- Yingfeng, F., Changan L., & Yongxiang, Zh. (2005). *Qianling*, Shaanxi: Shaanxi Tourism Press.
- Fogel, Joshua A. (2003). Naito Konan (1866–1934) and Chinese Hittoriggryyyy””*Historiography East and West*, 1(1), 137–153.
- Fong, A. (2006). Ending an Era: The Huang Chao Rebellion of the Late Tang, 874–884, *East-West Center working papers*, No. 26. Honolulu, HI: East-West Center, 1-11.
- tttt ,, A. ())))) ‘On tee oo-Called Abraham from Persia: A Case of ii stknm Itttt ity’, In P. Pelliot, L’inscription nestorienne de Si-Ngan-Fou, ed. A. Paris: Collège de France, Institut des Hautes Etudes Chinoises. 375-428.
- Hinz, W. (1969). *Alt-iranische Funde und Forschungen*, Berlin.
- Göbl, R. (1971). *Sasanian Numismatics*, Braunschweig.
- Keightley, David N. (1996). Art, Ancestors, and the Origins of Writing in China, *Representations*, 56, Special Issue: The New Erudition: 68–95.
- Konan, N. (1976). *Naito Konan Zenshu (Collected works of Naito Konan)*. Vol. 11, Tokyo: Chikuma shobo.

- Marshak, B. I. (1986). *Silbrccctt ee sss Orinnts: Mtt ll lnnntt ees* —33, Jahrhunderts und ihre Kontinuität, Leipzig: E.A. Seemann Verlag.
- Pasha Zanous, H. & Sangari, E. (2018). The Last Sasanians in Chinese Literary Sources: Recently Identified Statue Head of a Sasanian Prince at the Qianling Mausoleum, *Iranian Studies*, 51 (4), 499-515.
- Pourshariati, P. (2008). *Decline and Fall of the Sasanian Empire: The Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran*. London and New York: I.B. Tauris.
- Shaughnessy, Edward L. (1993). "Shang shu 尚書". In Loewe, Michael (ed.). *Early Chinese Texts: A Bibliographical Guide*. Berkeley: Society for the Study of Early China; Institute for East Asian Studies, University of California Berkeley. 376–389.
- Sivin, N. (1968). *Chinese Alchemy: Preliminary Studies*, Cambridge: Harvard University Press.
- Twitchett, D. (2009). *Writing of Official History under the Tang*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wilkinson, E. (2000). *Chinese history, a manual revised and enlarged*, Cambridge (Massachusetts) and London: Harvard University Press.
- Wilkinson, E. P. (2015). *Chinese History: A New Manual*. Cambridge and London: Harvard University Asia Center.
- Zhou, X. (2009). *The Mausoleum of Emperor Tang Taizong*, in: Sino-Platonic Papers, No.187, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania.
- Yinan, L. (2005). A Study of the Changes in the Tang—Song Transition Model, *Journal of Song-Yuan Studies*, 35, 99-127.

ج. منابع چینی

- Defen, L. (1971). *Zhoushu(周書/周书)*, Beijing, Zhonghua shuju.
- Guocan, C. (1980). *Tang Qianling shirenxiang jiqi xianming de yanjiu, Wenwubianji weiyuanhui: 《Wenwu jikan 2》*, Beijing: Wenwu chubanshe, 189-202.
- Ou, Yangxiu, Songqi. (1975). *New Books of the history of Tang Dynasty*, Beijing: Zhonghua shuju.

- Sima Guang 司馬光, *The Zizhi Tongjian* (Chinese: 資治通鑑) , j. 199, available at Database of Chinese classic ancient books via <http://www.guoxue123.com/shibu/0101/01zztjhz/199.htm>
- Xu, L. (1975). *Old Books of the history of Tang Dynasty*, Beijing: Zhonghua shuju.

References

- Agttt iniD & ark(((((((((iiii ii,, KlIll istaa ant t LL Isss sss s
波斯: On the Question of a Sasanian Court-in-Exile in the Southern Hindukush. *Studia Iranica*, 45, 17–38. (In English)
- Boltz, William G. (1986). Early Chinese Writing, *World Archaeology*, 17 (3), Early Writing Systems, 420–436. (In English)
- Cggg, X. (6666). Zggggóóó iii ééé míggzùù íí ggji,, (A Rvviwwff mmmsss Chinese Historical Works). *ōōōōōōōō jyyyyù bbbbn èèè*, Vol. 2, (In English)
- Guocan, C. (1980). *Tang Qianling shirenxiang jiqi xianming de yanjiu, Wenwubianji weiyuanhui: 《Wenwu jikan 2》*, Beijing: Wenwu chubanshe, 189-202. (In Chinese)
- Compareti, M. (2009). Chinese-Iranian Relations, xv. The Last Sasanians in Chi,, ' in nnyyllppæii a Iranica, Online Edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/china-xv-the-last-sasanians-in-china> (In English)
- Compareti, M. (2003). The Last Sasanians in China, *Eurasian Studies*, 2(2), 197-213. (In English)
- Daryae, T. (2012). "The Children and Descendants of Yazdgerd III in China", in: *The Untold Tales of the Sassanid Empire*, translated by A. Haqqani and Mahmoud Fazli Birjandi, Tehran: Kitab Parseh. (In Persian)
- Daryae, T. (2003). The Sons and Grandsons of Yazdgird in China *Iranshenasi, A Journal of Iranian Studies*, XV, 3, 540-548. (In English)
- Daryae, T. (2009). *Sasanian Persia: The Rise and Fall of an Empire*, London: I. B. Tauris. (In English)

- Davis, Richard L. (2001). Chaste and Filial Women in Chinese Historical Writings of the Eleventh Century. *Journal of the American Oriental Society*. 121 (2): 204–218. (In English)
- Defen, L. (1971). *Zhoushu*(周書/周书), Beijing, Zhonghua shuju. (In Chinese)
- Divvrrri, AHH(!!!!)) Kitāb al-akrrrr al-tjwll (Gnnrrll Histrry). rrrr ::: Nashr-e-Ney. (In Persian)
- Yingfeng, F., Changan L., & Yongxiang, Zh. (2005). *Qianling*, Shaanxi: Shaanxi Tourism Press. (In English)
- Fogel, Joshua A. (2003). Naito Konan (1866–1934) and Chinese Hittoriggryyyy” *Historiography East and West*, 1(1), 137–153. (In English)
- Fong, A. (2006). Ending an Era: The Huang Chao Rebellion of the Late Tang, 874–884, *East-West Center working papers*, No. 26. Honolulu, HI: East-West Center, 1-11. (In English)
- tttt ,, A. (999)). ‘On tee oo-Called Abraham from Persia: A Case of ii stkn n Ittt ity’, In .. Ill liot, L’incscription nsstorinne ee Si-Ngan-Fou, ed. A. Paris: Collège de France, Institut des Hautes Etudes Chinoises. 375-428. (In English)
- Hinz, W. (1969). *Alt-iranische Funde und Forschungen*, Berlin. (In German)
- Göbl, R. (1971). *Sasanian Numismatics*, Braunschweig. (In English)
- Keightley, David N. (1996). Art, Ancestors, and the Origins of Writing in China, *Representations*, 56, Special Issue: The New Erudition: 68–95. (In English)
- Konan, N. (1976). *Naito Konan Zenshu* (Collected works of Naito Konan). Vol. 11, Tokyo: Chikuma shobo. (In English)
- Marshak, B. I. (1986). *Silbrrcctt ee sss Oiiitt s: Mttll lnnntt sss 33333* Jahrhunderts und ihre Kontinuität, Leipzig: E.A. Seemann Verlag. (In German)
- Masoudi, A.H. (2017). *Moravaj Al Zahab* [Moravej Al. Zahab], Translated by Payande, A., Tehran: Elmi Farhangi. (In Persian)
- Ou, Yangxiu, Songqi. (1975). *New Books of the history of Tang Dynasty*, Beijing: Zhonghua shuju. (In Chinese)

- Pasha Zanous, H. & Sangari. E. (2018). The Last Sasanians in Chinese Literary Sources: Recently Identified Statue Head of a Sasanian Prince at the Qianling Mausoleum, *Iranian Studies*, 51 (4), 499-515. (In English)
- Pourshariati, P. (2008). *Decline and Fall of the Sasanian Empire: The Sasanian-Parthian Confederacy and the Arab Conquest of Iran*. London and New York: I.B. Tauris. (In English)
- Shaughnessy, Edward L. (1993). "Shang shu 尚書". In Loewe, Michael (ed.). *Early Chinese Texts: A Bibliographical Guide*. Berkeley: Society for the Study of Early China; Institute for East Asian Studies, University of California Berkeley. 376–389. (In English)
- Sima Guang 司馬光, *The Zizhi Tongjian* (Chinese: 資治通鑑) , j. 199, available at Database of Chinese classic ancient books via <http://www.guoxue123.com/shibu/0101/01zztjhz/199.htm> (In Chinese)
- Sivin, N. (1968). *Chinese Alchemy: Preliminary Studies*, Cambridge: Harvard University Press. (In English)
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1996). *Tarikh al-Rusul wa al-Muluk (History of the Prophets and Kings)*, Tehran: Asatir. (In Persian)
- Twitchett, D. (2009). *Writing of Official History under the Tang*. Cambridge: Cambridge University Press. (In English)
- Vosoughi, Mohammad Bagher. (2015). *The heritage of Iranian sailors in Chinese ports (Guanzho, Chuanzho, Hanzho ports)*, Tehran: Research Institute of Cultural Heritage and Tourism. (In Persian)
- Watson, W. (2004). "Iran and China" In *History of Iran* (Cambridge), Vol. 3, Part 1, translated by Hassan Anousheh, Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- Wilkinson, E. (2000). *Chinese history, a manual revised and enlarged*, Cambridge (Massachusetts) and London: Harvard University Press. (In English)
- Wilkinson, E. P. (2015). *Chinese History: A New Manual*. Cambridge and London: Harvard University Asia Center. (In English)
- Zhou, X. (2009). *The Mausoleum of Emperor Tang Taizong*, in: Sino-Platonic Papers, No.187, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania. (In English)

- Zhang, X. (2006). *The history of communication between Chin and Iran* (The materials for a history of Sino-Foreign relations) (in Persian), translated by Zhang Hongnien, Tehran: Department of Language and Dialects of Iran's Cultural Heritage. (In Persian)
- Xu, L. (1975). *Old Books of the history of Tang Dynasty*, Beijing: Zhonghua shuju. (In Chinese)
- Yaghoubi, Ahmad Ibn Abi Yaghoub. (2003). *bbbbbb's Histr., ssss st dd yy Mmmmdd iiiii i yytt i*, Tehran: Bongah-e Tarjomeh and Nashr-e Ketab. (In Persian)
- Yinan, L. (2005). A Study of the Changes in the Tang—Song Transition Model, *Journal of Song-Yuan Studies*, 35, 99-127. (In English)

